

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: جمال کنج  
برگردان: آمادور نویدی  
۲۱ سپتمبر ۲۰۲۴



جمال کنج

## اسطوره‌های صهیونیستی (۲)

### و تاریخ «قصه شاه‌پریان» اسرائیل



تنودور هرتزل، بنیانگذار صهیونیسم سیاسی

#### افسانه‌های صهیونیستی و تاریخ "قصه شاه‌پریان" اسرائیل

تنودور هرتزل، بنیانگذار صهیونیسم سیاسی، عبارت «قصه شاه‌پریان» را در سال ۱۸۹۷، و جهت ترغیب هم‌قطارهای صهیونیست خود به کار برد تا به «آرزوهای» خود در فلسطین جامه عمل بپوشاند، و به آن‌ها گفت: «اگر واقعاً فلسطین را می‌خواهید، پس تحقق این امر فقط یک قصه شاه‌پریان نیست».

خیلی از چیزهایی را که صهیونیسم سیاسی درباره تاریخ و فرهنگ «یهودی‌ها» در فلسطین ادعا می‌کند، از «قصه شاهپریان» گرفته شده است.

تئودور هرتزل، بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی، عبارت «قصه شاهپریان را در سال ۱۸۹۷، و جهت ترغیب هم‌قطارهای صهیونیست خود بکار بُرد تا به «آرزوهای» خود در فلسطین جامعه عمل ببوشاند، و به آن‌ها گفت: «اگر واقعاً فلسطین را می‌خواهید، پس تحقق این امر فقط یک قصه شاهپریان نیست».

انکار نمی‌توان نمود، که یهودیت با سرزمین مقدس پیوندهای محکمی دارد، اما این امر نه تحقق آرزوهای شیطانی «قصه شاهپریان» هرتزل را توجیه می‌کند، و نه می‌تواند دلیل ارتباط خدائی مسیحی‌ها با سرزمین تولد و به صلیب کشیدن مسیح باشد و نه تهاجم‌های جنگ‌های صلیبی را به رسمیت بشناسد. همچنین، وابستگی اسلامی به سرزمینی که پیغمبر در آن به ابدیت پیوسته، فلسطین را به‌تنهایی مسلمان نمی‌کند.

طی تاریخ، سرزمین فلسطین، موارد متعددی مورد حمله مهاجمان قرار گرفته، شاهد تغییر کیش‌ها، صعود و سقوط امپراتورها بوده و امپراتوری‌ها را تجربه نموده است. چند نمونه در زیر ارائه می‌شود، اما نه به ترتیب:

آکدی ها (Akkadians)، مصری‌ها (Egyptians)، عبری‌ها (Hebrews)، آشوری‌ها (Assyrians)، بابلی‌ها (Babylonians)، پارس‌ها (ایرانی‌ها - Persians)، یونانی‌ها (Greeks)، رومی‌ها (Romans)، بیزانسی‌ها (Byzantines)، مسلمان‌ها (Muslims)، نهضت یا جنگ صلیبی اروپائی (European Crusades)، عثمانی‌ها (Ottomans)، بریتانیائی‌ها (British) و ... اما در دارازنای تاریخ، فلسطینی‌های خستگی‌ناپذیر، به‌عنوان شاهدان استوار جنگ‌ها، قتل‌های عام، پیروزی‌ها، شکست‌ها و عقب‌نشینی‌ها، مقاومت کرده اند.

همین‌طور هم طی تاریخ، عمر کشورگشایان مانند برگ‌های زرد پائیزی، گذرا بوده و ناپدید شده اند، درحالی‌که این فقط مردم اصلی فلسطینی با ریشه عمیق تاریخی و پایدار بوده، که در کنار درختان زیتون فلسطین در سرزمین خود باقی‌مانده اند.

اگرچه که، بومیان فلسطینی توانسته باشند مذهب جدیدی بگیرند یا به آئین دیگری روی بیاورند، آداب و رسوم جدیدی اتخاذ کنند، یا زبان جدیدی یاد بگیرند، اما برخی از مهاجمان نیز توانسته اند سنت‌های محلی را بپذیرند یا در موطن جدیدشان جذب شوند، و نهایتاً، یک هویت ملی منحصر به فرد اجتماعی ایجاد کنند، که به اجداد ژنتیکی ثابت شده فلسطینی‌ها، کنعانی‌ها (Canaanites)، و جبوسی‌ها (Jebusites) وفادار بمانند.

در سال ۱۹۴۸، جنبش سیاسی که عمدتاً متشکل از نوادگان نوکیش یهودی خزر اروپای شرقی (East European **Khazar Jewish converts**) بود، مدعی وارث قلمرو حاکمیت عبری شد. که یکی از ده‌ها مهاجم تاریخی سرزمین فلسطین بود.

جنبش سیاسی صهیونیستی اروپائی، نخستین بار در تاریخ طولانی خود جهت کوچاندن ساکنان اصلی (displace the **original inhabitants**)، از طریق ارتباط با یک گروه نژادپرست از پناهندگان ستم‌دیده اروپائی، به دنبال اتحاد با استعمارگران بریتانیائی بود. و بدین‌گونه بود که غرب جهت آمرزش گناهانش علیه یهودی‌های اروپائی، با ریشه‌کن ساختن فلسطینی‌های غیراروپائی از خانه و کاشانه‌شان، مرتکب جنایت جدیدی شد.

تاریخ‌نگاران درباره مدت حاکمیت عبری‌ها در سرزمین کنعان، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. به هر حال، توافقی عام موجودست که حاکمیت متحد عبری تقریباً ۸۰ سال پیش از انشعاب به دو نهاد مجزا طول کشیده است. معهذ، هیچ مخالفتی وجود ندارد که عبری‌های اصلی، مردم بومی این سرزمین نباشند. در کتاب آفرینش سوره ، ۸:۱۷ ، خدا به ابراهیم درباره سرزمین کنعان می‌گوید: «در جائی که اینک به‌عنوان یک خارجی زندگی می‌کنی ...»

طبق کتاب آفرینش، احتمالاً خدا به «خارجی‌ها» وعده سرزمین کنعان را داده باشد. درحالی‌که من ترجیح می‌دهم از استدلال در مورد موضوعات انتزاعی، یا ورود به قدرت‌های متفاوتی سرگرم کننده اجتناب کنم، اما برانگاشت قانع کننده ای موجودست که به طور یکسان مورد قبول کارشناس‌های مذهبی یهودی، مسیحی، و مسلمان، مبنی بر اینست که وعده خدا در حاکمیت متحد عبری عملی شد، اما حاکمیت عبری با تقسیم سرزمین به دو قوم متخاصم «برگزیده خدا» و نافرمانی از خدا، پایان یافت.

تا موقعی که صهیونیسم سیاسی در اواخر قرن ۱۹م، در پاسخ به نفرت از یهودی‌های غربی پدیدار شود، صهیونیست‌های روحانی به معتقدانشان یعنی «حاکمیت یهود» متعهد بودند که توسط مسیحی‌ها دوباره تأسیس خواهد شد.

علیرغم تفاوت‌های ظریف، مسیحی‌ها و مسلمان‌ها در مواردی مانند باور به آخرالزمان با یهودیت شریک هستند. صرف‌نظر از باورهای مذهبی، بین عبری‌های اصلی که ۴۰۰۰ سال پیش از بین النهرین- عراق امروزی به فلسطین مهاجرت کردند، با نوادگان نوکیش خزر اروپای شرقی (converts)، هیچ رابطه ژنتیکی وجود ندارد. ادعای مالکیت بر یک سرزمین با تکیه به مذهب، مانند اینست که کشور مسلمان اندونزی ادعای مالکیت بر عربستان سعودی کند، چون‌که عربستان سعودی زادگاه مذهب آن‌هاست.

ملیت افراد با وابستگی‌های مذهبی آن‌ها به یک سرزمین معین نمی‌شود، بل‌که توسط افرادی مشخص می‌شود که دارای هویت فرهنگی مشخص هستند و در سرزمین مورد نظر تعریف شده، حضور دائمی دارند.

بدبختانه، وقتی‌که ظاهراً «خدا» با انسان خردمند ارتباط برقرار می‌کند، اغلب به مرگ و نابودی منجر می‌شود. در دوران ما، نمونه‌هایی مانند جیم جونز (Jim Jones) و دیوید کورش (David Koresh) به‌فکر خطور می‌کنند. در مقیاسی بزرگ‌تر، شاید خیلی‌ها به‌یاد بیاورند وقتی‌که ۴۳ - مین پرزیدنت امریکا، جورج دبلیو بوش (George W. Bush)، به جیمز رابینسون (James Robison)، خبرنگار تلویزیونی گفت: «که از طرف خدا به وی «الهام» شده تا به‌دنبال ریاست جمهوری برود، زیرا خدا از او خواسته تا «این‌کار را بکند». هر چیزی و یا هرکسی‌که بوش را تشویق نمود تا «این‌کار را بکند»، نه قادر مطلق بوده و نه واقف به همه چیز، چون‌که این «الهام» دروغین، منجر به قتل صدها هزار عراقی بی‌گناه و بیش از ۴ هزار امریکائی شد. رنج و عذاب مستمر فلسطینی‌ها ناشی از این قبیل تحریف‌های تاریخی‌ست.

نهایتاً، حتی اگر نوکیشان یهودی اروپائی کنونی، در واقع از نوادگان عبری‌های قدیمی ۳۰۰۰ سال پیش باشند، مطابق با قوانین بین‌المللی پذیرفته شده، آن‌ها هیچ ادعای قابل قبولی جهت اشغال غیرمشروع خود ندارند. به همان اندازه که عرب‌های کنونی حق ندارند وارث اشغال گذشته اسپانیا باشند، که ۷۰۰ سال طول کشید، که سه برابر بیش‌تر از کل حاکمیت عبری در فلسطین است.

صهیونیسم سیاسی، اضافه بر ارتباط ماوراءالطبیعه، با این ادعا که فقط «یک» دولت یهودی در دنیا وجود دارد، استدلال به‌ظاهر خوبی ارائه می‌دهد و تلاش می‌کند این را تلقین نماید که قابل مقایسه با سایر کشورهاست. اما این ادعا، مانند دفاع آباتاید افریقای جنوبی است، که ادعا می‌کرد تنها ملت سفیدپوست در افریقا بود، یا تنها حامی «یک» دولت آریائی در اروپا بود.

به‌اضافه، در جهان فقط «یک» دولت مسیحی (Christian)، مسلمان (Muslim)، هندو (Hindu)، سیک (Sikh)، بهائی (Bahá'í)، زرتشتی (Zoroastrianism)، راستافاری (Rastafari)، یزیدی (Yazidi)، و غیره وجود ندارد. حتی

کشورهائی که اکثریت مطلق، اشتراک مذهبی دارند، وابستگی به یک مذهب، برتر از هویت ملی شهروندان نیست، زیرا که ملیت نه با یک ویژگی مذهبی، بلکه با ارزش‌های مشترک فرهنگی در مرزهای ملی مشخص می‌شود. ممکن‌ست که نوکیشان اروپای شرقی قرن ۸-م، بر مبنای ژنیتیک ثابت شده خود، پرونده حقوقی مستحکمی جهت بازپس‌گیری امپراتوری یهودی خزر داشته باشند که ۵۰۰ سال دوام داشت، و به میزان قابل‌توجهی بیش‌تر از ارتباط «قصه شاه‌پریان» حاکمیت عبری غیربومی در سرزمین کنعان است.

#### درباره نویسنده:

جمال کنج (Jamal Kanj)، نویسنده کتاب «کودکان فاجعه»، سفر از یک کمپ پناهندگان فلسطینی به امریکا، و کتاب‌های دیگرست. وی اغلب درباره مشکلات دنیای عرب جهت تفسیرهای گوناگون ملی و بین‌المللی قلم می‌زند. وی این مقاله را به سایت شرح وقایع به‌ترتیب تاریخ فلسطین (The Palestine Chronicle) ارائه داده است.

<https://www.palestinechronicle.com/writers/jamal-kanj>

#### برگرداننده شده از:

Zionist Myths and Israel's 'Fairytale' History

Jamal Kanj By

<https://www.palestinechronicle.com/zionist-myths-and-israels-fairytale-history/>